

تحول حقوق خانواده در پرتو اندیشه امام خمینی؛ مقدمه‌ای بر منطقه‌ای سازی حقوق خانواده اسلامی^۱

معصومه مظاهری کله رودی^۲

عاطفه آقاچانی معمار^۳

چکیده

امام خمینی از صدور انقلاب اسلامی به معنای مطرح کردن باورها و ارزش‌های اسلامی در سطح جهانی سخن گفته است. نویسنده مقاله حاضر معتقد است بر اساس این نظریه امام، نظام حقوق خانواده اسلامی قابل ارائه به جهانیان است؛ لکن برای تحقق این امر، نخست باید به کمک فقه پویا و نگرش و اندیشه امام خمینی، نواقص قانونی را از نظام حقوق خانواده اسلامی زدود و با تدوین منشور حقوق خانواده، آن را روزآمد کرد؛ سپس با تشکیل سازمانی منطقه‌ای، تفاهم و همسویی حقوقی میان کشورهای اسلامی به وجود آورد و اقدام به صدور سند منطقه‌ای کرد و سرانجام در تعاملی سازنده با جامعه جهانی، الگویی بین‌المللی ارائه داد. راهبردهای امام خمینی برای تحقق این امر، از دیدگاه نویسنده، ارائه دکترین حقوقی، توجه به مقتضیات زمان و مکان و استفاده از ظرفیت فقه پویا در پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور است.

واژگان کلیدی

امام خمینی، صدور انقلاب اسلامی، حقوق خانواده، جهانی‌سازی، منطقه‌گرایی، فقه پویا، دکترین حقوقی، مقتضیات زمان و مکان

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۲/۱

Mazaheri@motahari.ac.ir

۲- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مطهری

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسؤول)

atefeaghajani@gmail.com

مقدمه

امروزه به واسطه گسترش و تسهیل ارتباطات، تخصصی شدن رشته‌ها و افزایش اطلاعات، تحولاتی در دنیا صورت گرفته است که بر اساس آن نظام سرمایه‌داری می‌کوشد تا نظام معنایی و عقلانیت جدیدی برای تحلیل جهان، ارزش‌گذاری‌ها و رفتارها ارائه کند و عقلانیت مدرن را تنها مسیر زندگی سعادت‌مندان معرفتی نماید (لاتوش، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰).

پارادایم‌های گوناگونی بر تحولات در حال وقوع، اثرگذار می‌باشند؛ به این معنی که صاحبان اندیشه با ابزارهای گوناگونی چون قدرت سیاسی، رسانه‌ها و استفاده از ابزارهای حقوق بین‌الملل مانند صدور اعلامیه، سعی در ارائه هر چه قوی‌تر و اثرگذارتر آرای خود دارند. جهان سرمایه‌داری با استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای گوناگون مدرن در پی آن است که به طور هدفمند و هدایت شده نظام فکری و معیارهای ارزشی خود را به تمام دنیا تعمیم دهد و فرهنگ‌ها و جوامع مختلف را مشابه یکدیگر و هم‌رنگ خود سازد. نظام خانواده و مسائل حقوقی آن از مهم‌ترین اهداف جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری است. در مقابل فرایند جهانی‌سازی، جریان منطقه‌گرایی یا منطقه‌ای‌سازی قرار دارد. که در حوزه بین‌الملل بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. منطقه‌گرایی، واکنشی صرف به جهانی شدن نیست. بلکه یک فرایند هویت‌ساز، ابتکاری، سازمان‌مند و هدایت‌یافته توسط نهادهای دولتی است که به صورت مجموعه توافقات ترجیحی میان تعدادی از دولت‌ها بروز و ظهور می‌یابد و می‌تواند تهدیدی علیه لیبرالیسم بین‌الملل باشد (Bhagwati, 1992, P.53).

البته از دیدگاه برخی، منطقه‌گرایی، چالش و واکنشی علیه جهانی شدن و مسدود کننده آن نیست؛ بلکه تعدیل‌کننده آن است (Kaplinsky, 1994, P.87). منطقه‌گرایی نوین فرایندی چند بعدی از همگرایی منطقه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد (Hettne, B; Unu/Wider, 1994, P.32) که می‌تواند به حفظ هویت‌های قومی و ملی کمک کند.

در رویکرد و نگرش امام خمینی(ره) اصلاح، کارآمد کردن و روزآمد نمودن فقه و حقوق اسلامی وجود دارد. ایشان با باوری عمیق، از صدور انقلاب اسلامی به معنای مطرح کردن جهانی و بین‌المللی باورها و ارزش‌های اسلامی سخن می‌گویند؛ لذا می‌توان برداشت کرد که

از دیدگاه ایشان، نظام حقوقی اسلامی به طور عام و حقوق خانواده اسلامی به طور خاص قابل ارائه در سطح بین‌المللی است. به گونه‌ای که با فقه پویا همواره گره گشای مسائل نوظهور باشد و با استفاده از ظرفیت‌های کشورهای اسلامی و مردم مسلمان و صدور اسناد منطقه‌ای، و با اتحاد، اقبال و حمایت کشورهای اسلامی در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. به ویژه که یکی از ویژگی‌های منطقه‌گرایی انجام تغییرات سازنده در سطح توده‌های مردم هر جامعه از طریق ایدئولوژی‌زیزه کردن آن است (Amin, 1995, P.45).

برای نمونه، کشور مالزی با استفاده از فرصت‌های جهانی‌شدن و با ابزارهای منطقه‌گرایی توانست پیشگام شود و «برند حلال» را به وجود آورد؛ این کشور در ابتدا شروع به تحقیقات پیرامون «حلال» کرد. سپس «انسیتیتو مرکز تحقیقات حلال» را ایجاد نمود که دیپارتمانی در دانشگاه علوم غذایی مالزی است. سپس دانشجویان را برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد و دکترا در این رشته، تربیت کرد و استانداردی را تدوین نمود و در بخش استاندارد سازمان خواربار کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو) به ثبت رسانید. از آن پس در کشورهای متعدد از سازمان‌های محلی که به کار صدور گواهی حلال مشغول بودند بر اساس این استاندارد، اعتبار بخشی و به نوعی در موضوع حلال برای خود موقعیت رهبری کسب کرد. مشکل اختلاف نظرهای فقهی میان مذاهب مختلف از طریق کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC) به این سازمان منتقل شد و سرانجام در اجلاس کومسک (مرکز هماهنگی‌های اقتصادی کشورهای عضو سازمان) در استانبول در سال ۲۰۰۷ مقرر شد یک کمیته فنی متشکل از کارشناسان سی کشور مسلمان برای تدوین استاندارد غذای حلال مورد قبول همه مذاهب اسلامی اقدام کنند. این گروه کارشناسی پس از سه سال کار کارشناسی موفق شد اولین استاندارد غذای حلال را در اکتبر سال ۲۰۱۰ در استانبول به تأیید وزرای کشورهای اسلامی برساند. به دلیل استقبال غیرمسلمانان از محصولات حلال، امروز در بیشتر کشورها، برند حلال به عنوان برند مورد اعتماد مصرف‌کننده مسلمان و غیرمسلمان عرضه شده، روز به روز بر حجم تجارت غذای حلال افزوده می‌شود. عرضه محصولات با برند حلال در سوپر مارکت‌های بیشتر کشورها، به یک نماد تبلیغی اسلامی تبدیل شده است و هر ساله ده‌ها کنفرانس و

همایش علمی در این موضوع برگزار و صدها مقاله تحقیقی جدید در بولتن‌های علمی، مجلات تخصصی غذا و نشریات اقتصادی درج می‌شود.^۱

به نظر می‌رسد رویکرد امام خمینی این بوده است که در عرصه بین‌الملل فعالانه به بازیابی و بازشناسی ظرفیت‌های خود پرداخته، ضمن تنقیح حوزه‌های مختلف، آن‌ها را در عرصه بین‌المللی ارائه کنیم. عنوانی که امام خمینی در این زمینه به کار می‌بردند «صدور انقلاب اسلامی» بود. این امر در حیطه‌های مختلف نیازمند ملزوماتی است. در بررسی آرا و نظرات ایشان می‌توان راهبردهای صدور انقلاب اسلامی را به منظور ارائه نظام‌های حقوقی اسلامی در سطح بین‌المللی استخراج کرد.

تعامل فعال با تحولات جهانی در اندیشه امام خمینی

مسأله قابل توجه این است که نظر امام خمینی در برابر تحولات جهانی این نبود که در برابر تحولات بایستیم و کشورمان را منزوی نگه داریم تا از تهدیدات مصون بمانیم، بلکه ایشان صریح و قاطع اعلام کردند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

این به معنای نهراسیدن از تهدیدات ناشی از تحولات جهانی و استفاده از فرصت‌های ناشی از آن است.^۲ همچنین ایشان بیان داشتند: «ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد، ایران امروز نمی‌تواند این طور باشد، بلکه کشورهای دیگر هم نمی‌توانند این طور باشند که در یک جا بنشینند و مرزهایشان را ببندند؛ این غیرمعقول است، امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است. وقتی دنیا وضعش این طور است، ما نباید منعزل باشیم» (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۲۴۲-۲۴۸).

۱- بنگرید به: www.halalworld.org؛ فخاری دبیرکل مؤسسه حلال جهانی

۲- خداوند در آیه ۱۸ سوره زمر می‌فرماید: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ؛ «کسانی که سخن‌ها را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند، کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آن‌ها خردمندان هستند».

بنیانگذار نظام اسلامی، فقیه و مرجعی دین شناس بود و چون ظرفیت‌های اسلام شیعی را می‌شناخت، معتقد بود، که نباید متحجرانه از تحولات جهانی بترسیم و مرزهایمان را ببندیم، همچنین نباید با خودباختگی تسلیم تحولات شویم. بلکه باید اسلام را در کشور خود عملی کنیم و ضمن ارتباط با جهانیان، آن را به دیگران معرفی نماییم. ایشان هنگام تدوین قانون اساسی در سال ۵۸ ضمن ارائه خصوصیات قانون اساسی جامع، بر صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران درصدد ایجاد جامعه اسلامی برآیند، تأکید نمودند (موسوی خمینی، ج ۹، ص ۳۰۸-۳۱۰).

حس اعتماد به نفس و خودباوری که امام خمینی برای مسلمانان به وجود آورد، با تحقق انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی عمیق‌تر شد؛ ترسیم اهداف و آرمان‌های اسلامی و ارزشی و کاربردی کردن آن در عرصه عمل از مهم‌ترین اقدامات ایشان بود. در واقع می‌توان این اهداف را قدرت نرم انقلاب اسلامی دانست (جعفری و نوالفقاری، ۱۳۹۱، ص ۳۳۰).

راهبردهای امام خمینی در نگاه جهانی به حقوق خانواده

صدور انقلاب اسلامی به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی است که به علت ماهیت جهان‌شمول دین اسلام متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، ۱۲۸).

در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز تصریح شده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

به نظر می‌رسد تئوری صدور انقلاب اسلامی امام در حیطه‌های مختلف قابل تأمل و تدقیق است؛ در حوزه حقوق خانواده نیز می‌توان از آن به ارائه پارادایم حقوق خانواده اسلامی در سطح بین‌الملل تعبیر کرد.

ارائه بین‌المللی حقوق خانواده اسلامی مستلزم این است که اولاً- ظرفیت‌های خود را بشناسیم و به غنی بودن منابع حقوق خانواده اسلامی که مهم‌ترین آن فقه امامیه است، باور داشته باشیم؛ ثانیاً با ابزارهایی چون اجتهاد پویا برای نیازها و خلاهایی که در اثر تحولات جهانی ایجاد می‌شود، پاسخ‌هایی متقن بیابیم. تنها در این صورت است که می‌توان جلوی نفوذ قوانین و مقرراتی را که با دین اسلام سازگاری ندارند^۱، گرفت و به ارائه راه‌حل‌ها و قوانین اسلامی در سطح بین‌المللی پرداخت. همان چیزی که امام خمینی از آن به عنوان صدور ارزش‌ها، ایمان، شرف، افتخار و... یاد می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸۸).

یکی از عرصه‌های مهم در هر جامعه‌ای قوانین و مقررات یا نظام حقوقی آن جامعه است که در این میان، حقوق خانواده - به دلیل موضوع آن که خانواده است - اهمیت ویژه‌ای دارد.

حقوق خانواده، شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به مقررات و قواعد شکل‌گیری، تداوم و انحلال خانواده می‌پردازد. در این شاخه از حقوق، با در نظر گرفتن اموری چون مصالح اعضا و نهاد خانواده و کارکردهای این نهاد (مانند حفظ و بقای نسل، تأمین نیازهای عاطفی و روانی اعضا و برقراری نظام مراقبتی و حمایتی از کودکان)، چگونگی روابط حقوقی اعضای خانواده تبیین، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر مشخص می‌شود. مبحث حقوق خانواده صرفاً جنبه حقوقی ندارد و به دلایل گوناگون با مسائل دینی، اخلاقی و اجتماعی آمیخته است. ماهیت خانواده به‌گونه‌ای است که تنظیم روابط میان اعضای آن بسیار بیشتر از دیگر قوانین حقوقی، در گرو آموزه‌های دینی و اخلاقی است (کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۸۸، ص ۱۵-۱۷).

حقوق خانواده یکی از عرصه‌هایی است که پیشرفت دانش و تکنولوژی، مسائل و نیازهای نوظهوری را در آن به وجود آورده است. اسلام عملی که امام خمینی احیاگر آن است، با ابزار فقه پویای شیعی پاسخ‌گوی نیازهاست و ضابطه تعامل فعال با سایر نظام‌های

۱- مثل برخی مواد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و محکوم نکردن همجنس‌گرایی در برخی قوانین بین‌المللی.

حقوقی را مشخص می‌کند. در این تعامل فعال از دیدگاه امام خمینی، نکات زیر قابل توجه و تأمل است:

۱- ارائه دکترین حقوقی

مجموعه عقاید و اجتهادهایی که در باب توجیه، بیان و تفسیر قواعد حقوق از طرف عالمان فن اظهار شده است، «اندیشه‌های حقوقی» نامیده می‌شود که معادل واژه «دکترین»^۱ در زبان فرانسه است (کاتوزیان، ۱۳۶۱، ص ۶۰۳).

در ایران به دلیل اهمیت اعتقادی مبانی حقوق، اعتبار نظر شخصیت‌های حقوقی و فقهی، بیش از نظام‌های دیگر است. از نظر قانون اساسی، در مواردی که قانون حکمی ندارد، حقوق اسلامی جایگزین آن می‌شود و راه دستیابی به آن دو چیز است: ۱- استفاده از منابع معتبر اسلامی^۲، که در میان آن‌ها «اجماع» به نوعی دکترین فقهی محسوب می‌شود. ۲- فتاوی معتبر که منظور نظر خبرگان و دانایان است. بنابراین «اندیشه‌های حقوقی» عالمان جایگاه ویژه‌ای دارد (همان‌جا).

امام خمینی درباره اثرگذاری نظریات فقها می‌فرماید: «چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، قانون‌شناسان و از آن بالاتر دین‌شناسان، یعنی فقها، باید متصدی آن باشند. ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی، اداری و برنامه‌ریزی کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی امین هستند... نباید بگذارند قوانین اسلام کم و زیاد شود یا معطل بماند...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۲-۷۳).

امام خمینی به صورت صریح و قاطع به ارائه آرا و نظرات فقهی خود می‌پرداختند و گاهی به تصحیح مسائل حقوقی که میان مردم معمول شده و به صورت عرف درآمد بود، می‌پرداختند. برای مثال شیربها که در برهه‌ای از زمان چنان رایج شده بود که زوج

1- Doctrine

۲- کتاب، سنت، عقل و اجماع. البته اجماع در شیعه با شرایطی خاص و در صورتی که کاشف از رأی معصوم باشد، معتبر است.

موظف به پرداخت مبلغی به پدر و مادر زوجه می‌شد، از سوی امام تصحیح شد؛ امام فرمودند در عقد نکاح، مهر باید برای زوجه قرار داده شود و نمی‌توان مهر را برای پدر و مادر او قرار داد. آنچه در زمان ما در بعضی خانواده‌ها مرسوم است که مبلغی را به عنوان شیربها برای کسان او قرار می‌دهند، نمی‌توان جزء مهر محسوب کرد. و اگر جزء مهر قرار گیرد، به این معنی که پدر و مادر را در مهر شریک کرده باشند، فقط مقداری که برای زوجه معین شده، مهر محسوب می‌شود و مابقی باطل است و زوج الزامی به پرداخت ندارد. ولی چنانچه زوج از روی طیب خاطر برای ترضیه خاطر بستگان زوجه به عنوان هدیه یا جعالتاً در مقابل زحمات انجام شده در امر ازدواج، وجهی پرداخت نماید، برای گیرنده حلال و بلاشکال است. اما اگر زوج طیب خاطر نداشته باشد و علی‌رغم حصول رضایت خاطر دختر، تنها به خاطر رفع مزاحمت بستگان از انجام ازدواج، ناچار به پرداخت وجهی یا تأدیه مالی گردد، وجه دریافتی شرعاً حرام خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ هـ.ج، ۲، ص ۲۹۸).

به نظر می‌رسد این صراحت و شجاعت در تصحیح عرف و عادات غلط، لازمه تعامل فعال با تحولات جهانی است؛ زیرا باید نظام حقوقی در درون تصحیح شود و پاسخ‌گویی نیاز افراد جامعه بوده، قدرت احقاق حق داشته باشد و سپس قابل ارائه به دیگران باشد.

۲- توجه به مقتضیات زمان و مکان و ظرفیت فقه در پاسخ‌گویی به آن

تغییرات زمان منجر به ایجاد نیازهای جدید می‌شود و پیدایش نیازهای جدید، پاسخ‌گویی نظام حقوقی را ضروری می‌سازد و در واقع منجر به تحول و اصلاح قوانین می‌گردد. مجموعه قوانین مانند یک درخت است. اجزاء درخت عبارتند از: ریشه، تنه، شاخه‌های کوچک و برگ‌ها. ریشه و تنه درخت که اساس درخت را تشکیل می‌دهند، سال‌های طولانی دوام دارد، اما برگ‌های هر سالی اختصاص به همان سال دارند و برای سال دیگر باقی نمی‌مانند. این تنه و ریشه است که هر سال برگ‌های جدید می‌سازد. قوانین نیز همه از یک سنخ نیستند؛ یک سری قوانین اصلی‌اند، که اصول هستند و ثابت می‌مانند. ولی یک دسته قوانین مربوط به اوضاع و احوال، شرایط و محیط، زمان و مکان‌اند که به منزله فرع و

شاخه هستند. این قوانین متغیرند (مطهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۵).

نهادهای حقوقی همواره بر اساس مقتضیات اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آیند؛ بنابراین هر نهادی با از بین رفتن مقتضیات ایجادکننده یا تغییردهنده آن از میان می‌رود و یا تغییر می‌کند. در طول زندگی بشر از این نهادها بسیار به وجود آمده و از بین رفته است^۱ چنین وضع و ترتیبی کاملاً طبیعی و منطبق با ضرورت زندگی اجتماعی می‌باشد؛ در تاریخ حقوق، بسیاری از این موارد وجود دارد. اما آنچه اکنون وضع جوامع بشری را خاص کرده است، مختصات عصر و زمانی است که در آن زندگی می‌کنیم. در گذشته، تغییر و تحول در طول ده‌ها قرن صورت می‌گرفت، ولی در حال حاضر در طول چند سال چنان مقتضیات مربوط به یک نهاد حقوقی تغییر می‌کند که هنوز مرکب قانونی خشک نشده، نیاز به اصلاح، ترمیم و یا نسخ آن احساس می‌شود. این مسأله یکی از پیامدهای جهانی شدن می‌باشد (درخشانی، ۱۳۵۶، ص ۳۴)؛ زیرا تسریع تحولات، افزایش و تنوع مطالبات را به دنبال دارد.

خانواده یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی جوامع بر نهادهای اجتماعی غیر قابل انکار است و خانواده نیز از این تأثیر مستثنا نیست. یکی از این دگرگونی‌ها در ساخت خانواده، بالأخص کنش متقابل میان زن و شوهر، تغییر در

۱- برای مثال، ظهار سنت باطلی در زمان جاهلیت بود که اسلام به آن بی‌توجهی نکرده و برای انجام آن کفاره وضع نموده است. ظهار به این شکل بود که مرد به همسر خود می‌گفت: «پشت تو چون پشت مادر من است» و این عبارت را نوعی طلاق و موجب حرمت ابدی به حساب می‌آوردند. اسلام این سنت جاهلی را منسوخ کرد (محقق حلی، المختصر النافع، قم، مؤسسه البعثه، الطبعة الثانی ۱۴۱۶ هـ، ص ۲۲۲). آیه ۴۱ سوره احزاب در این باره می‌فرماید: مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ اَرْوَاجَكُمْ اللّٰئِي تَظَاهِرُوْنَ مِنْهُنَّ اُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ اَدْعِيَاءَكُمْ اَبْنَاءَكُمْ ذٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ وَاللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ؛ «خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است و آن همسرانتان را که مورد ظهار قرار می‌دهید، مادران شما نگردانیده و پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است. این گفتار شما به زبان شماست و [لی] خدا حقیقت را می‌گوید و او [ست که] به راه راست هدایت می‌کند».

مفهوم نقش است. دگرگونی‌های اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع، موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و به تبع آن توزیع قدرت در خانواده شده است (Sabin, 1997, P.53). این امر موجب تحول روابط حقوقی افراد در حیطه خانواده می‌شود.

برای مواجهه با نیازها و مطالبات نوظهور، فقه شیعه ظرفیت و ابزار پاسخ‌گویی دارد. در نگرش امام خمینی دین حداقلی منتفی است و اسلام شیعی که مبتنی بر احکام فردی، اجتماعی و سیاسی است، برنامه‌ای جامع برای تمام ابعاد زندگی دارد. بنا بر این نظر، قلمرو فقه بسیار گسترده می‌شود و اهمیت می‌یابد. این ناشی از غنای حکمی فقه است که حکم هر مسأله‌ای را می‌توان از آن به دست آورد. امام خمینی با طرح مسائل مستحدثت و پاسخ‌گویی به آن‌ها، توان و ظرفیت بالای فقه را نشان داد. ایشان در ابتدای کتاب *کشف‌الاسرار* می‌نویسد: «ما پس از این روشن خواهیم کرد که خدای محمد ﷺ که قانونگذار است، تکلیف گمرک، ثبت و هر جزئی از جزئیات احتیاج بشر را برای همه دوره‌ها معین کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۲۷، ص ۱۱). همچنین، امام در مرداد ماه سال ۱۳۴۳ درس «مسائل مستحدثه» را شروع کردند که تا زمان تبعید امام به ترکیه ادامه یافت. در این دوره، مسائل جدید همچون: تلقیح مصنوعی، کالبد شکافی، تشریح اعضای مرده، پیوند اعضا، سرقفلی و بلیت‌های بخت آزمایی طرح شد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۴۶-۴۵).

نگاه تحول‌گرای امام در مسائل و قوانین خانواده، چشم‌انداز روشنی را در رویکرد فراملی به حقوق خانواده ایجاد می‌کند. یک نمونه از این نگاه تحول‌گرا لحاظ کردن مقتضیات زمان و توجه به حقوق کودکان به عنوان قشر آسیب‌پذیر است^۱ ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی در مورد طفل طبیعی مقرر می‌دارد: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود». برای جلوگیری از گریز زانی از مسؤولیت‌های طفل طبیعی و ایجاد مشکلات زیاد در اثر نداشتن شناسنامه، سرپرست و غیره برای این کودکان، رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۶/۴/۶ اعلام کرد: بر اساس نظر فقهی امام خمینی کودکی که ناشی از

۱- توجهات فرا ملی به کودکان موجب تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹م شد؛ جمهوری اسلامی ایران در اسفند ماه ۱۳۷۲ (۱۹۹۴م) با حق شرط، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد.

روابط آزاد جنسی باشد، فرزند عرفی پدر محسوب می‌شود و در نتیجه، پدر طبیعی مکلف است برای او شناسنامه گرفته، حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی کلیه وظایف خود را در زمینه تعلیم و تربیت و پرداخت مخارج زندگی کودک انجام دهد. چنین فرزندی فقط از بردن ارث از پدر و مادر محروم است^۱.

نمونه دیگر، تفسیر بدیع حضرت امام از قاعده لاضرر است. به نظر حضرت امام از حدیث لاضرر و لاضرار دو قاعده استقاده می‌شود؛ یکی ممنوعیت وارد کردن خسارت‌های مالی و جانی به دیگران، و دوم ممنوعیت ایجاد فشارهای روحی و به وجود آوردن تنگنا و سختی برای دیگران. قاعده اول مستفاد از «لاضرر» و قاعده دوم مستفاد از «لاضرار» است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ.ج. ص ۵۲۰).

در فتاوی امام خمینی مواردی دیده می‌شود که ایشان قاعده لاضرر را در روابط خانوادگی حاکم دانسته‌اند؛ برای مثال، در استفتایی از ایشان پرسیده‌اند: آیا شوهر می‌تواند زوجه خود را که دچار ناراحتی‌های عصبی است، مکلف به اقامت در شهر کند؟ با وجودی که می‌داند زندگی در شهر برای همسرش مناسب نیست و باعث تشدید بیماری می‌شود. امام جواب داده‌اند: اگر برای زن حرجی یا ضرری باشد، شوهر نمی‌تواند او را تکلیف به ماندن در آن محل کند، مگر آن‌که با تهیه وسایل رفاهی ضرر و حرج را از زن رفع نماید (همو، ۱۴۲۲ هـ.ج. ص ۲۰۴).

به نظر می‌رسد از آن‌جا که در خانواده، روابط اعضا بیشتر متکی بر روح و روان است تا جسم، این نگاه، راهگشای مسائل بسیاری در فقه و حقوق خانواده باشد.

تأثیر موضوع‌شناسی در تحول احکام اولیه و قوانین

فقه اسلامی به تغییر و تحولات و شرایط متفاوت زمان و مکان، پیدایش شرایط جدید و مسائل مستحدثت بی‌توجه نیست و به عنوان دین خاتم و جامع، ساز و کارهایی جهت تحول قوانین منطبق با زمان دارد. توجه به تغییر موضوع احکام، در نظر گرفتن عناوین

۱- بنگرید به: موسوی خمینی، ۱۳۹۰ هـ.ج. ۲، مسأله ۳ و ۴۷.

ثانوی و صدور حکم حکومتی ابزارهای فقه جهت انطباق با زمان است که فقه و حقوق اسلامی را در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل اجرا می‌نماید.

در بیانات و فتاوی‌ای امام به این مسأله توجه و اشاره شده است که گاهی حکم به تبع موضوع تغییر پیدا می‌کند. ایشان می‌فرماید: «این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند؛ مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بود، همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست، اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدین معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی می‌شود که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ هـ.ج، ۳، ص ۲۰۴).

نمونه دیگری از مسائل حقوق خانواده است که در آن، حکم با تحول شرایط زمانی و تغییر عادت‌ها عوض شده است؛ اختلاف زن و شوهر در گرفتن مهریه بعد از دخول می‌باشد. شهید ثانی می‌گوید: در روایت، قول شوهر مقدم است؛ زیرا عرف گذشتگان صالح این گونه بود که شوهر قبل از زناشویی مهر را به همسر می‌پرداخته و از عادت زمانه خویش پیروی می‌کرده است؛ اما الآن سزاوار است قول زوج مقدم باشد و نمی‌توان بر طبق همان روایت عمل کرد؛ زیرا امروزه عادت مردم چنین است که مهریه را در ذمه نگه می‌دارند و به همسر نمی‌پردازند (عاملی، ۱۴۱۷ هـ، ص ۶۷).

بنابراین، علما با توجه به شرایط زمانی و مکانی صدور روایات و قراین موجود در ظرف صدور، دریافته‌اند که حکم تقدم قول زوج بر موضوعی حمل شده که از قیدی پنهان و نامرئی برخوردار است. یعنی موضوع عبارت است از: ادعای مهر از سوی زن، و آن مقید به این است که در زمانی این ادعا مطرح شده است که عادت و ارتکاز مردم بر پرداخت مهریه قبل از زناشویی بود، ولی با تغییر عادت مردم، چنین قیدی از موضوع منتفی شده است و با انتقای آن، موضوع هم تغییر کرده و زمینه عوض شدن حکم را فراهم کرده است.

احکام حکومتی، راهکار فقه در انطباق با مقتضیات زمان

حکم حکومتی، دستورها، مقررات و قوانینی است که حاکم جامعه اسلامی بر اساس مصلحت، در حوزه مسائل اجتماعی به منظور اجرای احکام شرع یا اداره جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم وضع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹).

از دیدگاه امام خمینی احکام حکومتی از احکام اولیه اسلام است؛ ایشان می‌فرماید: «ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۱۷۴).

در عملکرد ایشان نیز در موارد مختلف مانند فتوای ایشان در حمایت از طفل طبیعی این رویکرد مشهود است. مورد دیگر، اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی است که با توجه به پاسخ امام خمینی به پرسش شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ صورت گرفته است. از ایشان سؤال شد که پاره ای از مسائل در شورای نگهبان، مورد اختلاف قرار می‌گیرد و بالنهاییه نظر شریف، متبع است، من جمله از این مسائل، موادی است از قانون مدنی که اخیراً مورد بررسی و اصلاح قرار گرفته است یکی از مواد مربوط به طلاق این است: در صورتی که ادامه زندگی زناشویی برای زن، موجب عسر و حرج باشد، می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع تقاضای طلاق کند و حاکم پس از بررسی و ثبوت موضوع، شوهر را اجبار به طلاق کند و چنانچه مرد از طلاق ابا کند، حاکم شخصاً اقدام به طلاق نماید. در اینجا بعضی از فقهای شورا، نظر منفی دارند. امام خمینی در پاسخ بیان داشتند: طریق احتیاط آن است که زوج را با نصیحت و الا با الزام وادار به طلاق نمایند و در صورت میسر نشدن، به ان حاکم شرع، طلاق داده شود... (مهرپور، ۱۳۷۱، ص ۴۱).

تمام احکام ولایی و حکومتی، خصوصاً آن دسته از احکامی که به هنگام تزامم احکام شرعی صادر می‌شوند، تا زمانی معتبرند که مصلحتی که مبنای حکم قرار گرفته است، باقی باشد. بنابراین، به محض منقضی شدن مصلحت یا تزامم، حکم حکومتی از درجه اعتبار ساقط می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ، ج ۱۵، ص ۱۸۸).

امام خمینی در بهمن ماه سال ۱۳۶۶ فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را دادند تا در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشود، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و افراد دیگری - که آن‌ها را

نام بردند - برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد. ایشان در توصیه به اعضا تأکید کردند که باید مصلحت نظام در نظر گرفته شود؛ زیرا از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. بحث‌های طلبگی مدارس که در چارچوب تئوری است، نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. بنابراین، در عین این که باید تمام توان به‌کار گرفته شود که خلاف شرعی صورت نگیرد، باید سعی شود که اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت برای اداره جهان نگردد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ.ج ۲۱، ص ۶۱).

با اصلاح قانون اساسی، شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اصل ۱۱۲ را به مجمع تشخیص مصلحت نظام اختصاص داد. این اصل مقرر می‌دارد «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند، و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود».

تحولات حقوقی از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

از مطالب پیشین معلوم شد که اصل تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام بنا بر حکم حکومتی امام خمینی بود. وظیفه این مجمع نیز که رفع اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است، با در نظر گرفتن مصلحت افراد و نظام اسلامی انجام می‌پذیرد. به نظر می‌رسد مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند نقش مهمی در تحول حقوق خانواده ایفا نماید؛ به این صورت که نیازها و مطالبات جدید ناشی از تحولات و مصالح نظام اسلامی را در اصلاح قوانین و اعمال نظرات خود لحاظ نماید. ذیلاً دو نمونه از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه تحول حقوق خانواده ذکر می‌شود:

- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق: ویژگی حقوقی طلاق، ایقاعی بودن آن است که

با اعلام اراده از سوی شوهر یا نماینده او واقع می‌شود؛ ولی از آنجا که یکجانبه بودن طلاق تبعات و آثاری دارد که هم جامعه و هم خانواده از آن متضرر می‌شوند، به منظور جلوگیری از آثار زیان‌بخش آن، قانون‌گذار در صدد فراهم کردن تمهیداتی برای محدود ساختن این اختیارات یکجانبه بوده است. پس از گذر از فراز و نشیب‌های فقهی و حقوقی، محدودیت‌های قانونی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر شد. این محدودیت به شکل ماده واحده‌ای در تاریخ بیست و هشتم آبان ماه سال ۱۳۷۱ در هفت تبصره و دو بند با نام «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» تصویب گردید. قانون مزبور علاوه بر در نظر گرفتن مصلحت نظام، حافظ کیان خانواده، در برابر طلاق است.

هدف از تصویب این قانون تحکیم مبانی حقوقی و اسلامی و رعایت موازین اجتماعی به قصد تلاش برای رفع کاستی‌های موجود است. به جهت این‌که نهاد مقدس خانواده دستخوش تمایلات و تأثرات و اتخاذ تصمیمات فوری و آنی نشود و طلاق، تحت شرایط قانونی انجام و اجرا گردد.^۱

۱- ماده واحده مصوبه بدین شرح به تصویب رسید: «از تاریخ تصویب این قانون، زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند، بایستی جهت رسیدگی به اختلاف‌های خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوا نمایند چنانچه اختلاف فی‌مابین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاه‌اند حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آن‌ها صادر نشده است، ندارند. در غیر این‌صورت از سردفتر خاکی، سلب صلاحیت بعمل خواهد آمد. تبصره ۱- نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین نامه اجرایی آن ظرف ۲ ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. تبصره ۲- گزارش کتبی مندرج بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد، به دادگاه باید تحویل گردد. تبصره ۳- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده) و یا رضایت زوجه و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق‌الذکر. تبصره ۴- در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است و در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در

نوآوری این قانون، تأسیس یک حق مالی برای زنان به نام نخله بود که در فقه و حقوق سابقه نداشت. هدف از این مصوبه حمایت مالی از زنان مطلقه بوده است. با توجه به اصل استقلال مالی زن و شوهر، زن در درآمدها و اموالی که مرد تحصیل می‌کند، سهمی ندارد. بنابراین، زنان بعد از طلاق از نظر مالی دچار مشکل می‌شدند. تصویب این قانون از روی مصلحت بوده است تا مردان بخشی از مال خود را با عنوان نخله به زنان بپردازند (هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۸۳، ص ۶۵).

- محدود شدن اختیار ولی در تزویج صغار: سن ازدواج و مسأله تزویج صغار همواره در اسناد و مقررات بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. در موازین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ازدواج امری است کاملاً شخصی و در شمار حقوق و آزادی‌های مدنی. بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ازدواج را امری شخصی و مبتنی بر اراده آزاد و رضایت کامل شمرده است. سن ازدواج و ولایت بر ازدواج در قوانین ایران تحت تأثیر قوانین و معیارهای بین‌المللی تحولات زیادی داشته است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

در ماده ۳ قانون ازدواج سال ۱۳۱۰ مقرر شده بود: «هر کس برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند، به

صورت عدم رجوع در مهلت مقرر، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضای زوجین و حکمین و عدلین و سر دفتر و مهر دفترخانه معتبر است. تبصره ۵- دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می‌تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون انتخاب قضات، مشاور زن داشته باشد. تبصره ۶- پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدواً از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می‌نماید و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی، شرطی شده باشد، طبق آن عمل می‌شود؛ در غیر این صورت، هر گاه طلاق بنا به خواست زوجه نباشد، و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زنان و وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود: الف - چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد، و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید؛ ب - در غیر مورد بند «الف» با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نخله) برای زوجه تعیین می‌نماید. تبصره ۷- گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط پزشک ذیصلاح و آزمایشگاه مربوطه باید تحویل گردد».

شش ماه الی دو سال حبس حنجه‌ای محکوم خواهد شد و در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد، لااقل به دو الی سه سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود ... عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است، محکوم می‌شوند ...».

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی چنین مقرر کرده بود: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند، با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود، ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند».

پس از آن، قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ در ماده ۲۳ مقرر کرد: «ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند، استثنائاً در مورد زنی که سن او از پانزده سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد».

مقرر افراط‌آمیز قانون حمایت خانواده با شرایط فرهنگی آن دوره هیچ سنخیتی نداشت. همچنین با موازین فقهی در تعارض بود. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بدین ترتیب اصلاح گردید: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است. تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه».

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تبصره‌ای در سال ۱۳۶۱ به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اضافه گردید: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است، به شرط رعایت مصلحت مولی علیه».

این تبصره انتقادات زیادی در پی داشته؛ زیرا انتخاب همسر برای کودک، او را از

طبیعی‌ترین حق محروم می‌سازد و به وی صدمه می‌زند. بنابراین، فرض ضرر در نکاحی که ولی قهری درباره آن تصمیم گیرد، برای کودک وجود دارد (نجفی، ۱۴۱۲هـ.ج ۲۶، ص ۳۸). در سال ۱۳۷۹ برای اصلاح این ماده میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان اختلاف نظر به وجود آمد؛ به این صورت که مجلس، ازدواج دختر قبل از رسیدن به پانزده سال و پسر قبل از رسیدن به هجده سال تمام شمسی را منوط به تحصیل اجازه از دادگاه دانسته بود و شورای نگهبان این اصلاحیه را خلاف شرع می‌دانست (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، دوره ششم، سال اول، ص ۲۵۴-۲۵۵). جهت رفع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، این ماده در مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۱ به این صورت تصویب شد: ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

بنابر آنچه گذشت، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس حکم حکومتی امام خمینی جهت حفظ مصالح نظام و افراد جامعه بوده است. به نظر می‌رسد رفع اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوانینی که نهایتاً توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب می‌شوند، نیز ناظر به رعایت مصلحت افراد جامعه و هم دربردارنده مصلحت نظام می‌باشد و هدف اصلی، ملاحظه مصلحت کشور و نظام اسلامی است؛ زیرا همان‌طور که در ابتدای بحث نیز اشاره شد، قوانین ملی کشورها در این زمینه مورد سوال و انتقاد قرار می‌گیرند و فشارهای بین‌المللی رعایت استانداردهای بین‌المللی را ضروری می‌نماید.

برای مثال، در مورد بحث اخیر ماده ۱۰۴۱ فعلی علاوه بر این‌که مصلحت اطفال مورد توجه قرار گرفته است، مصلحت کشور در برابر انتقاداتی که به ماده ۱۰۴۱ مصوب سال ۱۳۶۱ صورت می‌گرفت، نیز لحاظ شده است؛ زیرا به موجب قوانین بین‌الملل، کشور ما به خاطر این قانون زیر سوال قرار می‌گرفت. برای مثال در اعلامیه حقوق کودک، با این‌که تزویج کودکان نابالغ مورد تعرض قرار نگرفته است، لیکن روح کلی این اعلامیه، مبارزه شدید با این‌گونه برخوردها با کودکان است. حتی به نظر می‌رسد وجه عدم تعرض اعلامیه

مذکور به تزویج کودکان، وضوح ممنوعیت آن است، به نحوی که تدوین کنندگان اعلامیه ذکر آن را نیز ضروری نمی‌دانسته‌اند. به نظر می‌رسد تجویز نهادهای حقوقی که در عمل، زمینه‌هایی برای آسیب دیدن کودک را فراهم سازد با پیام کلی اعلامیه مذکور منافات دارد. همچنین بر اساس بند دوم کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان: «نامزدی و ازدواج فرزندان از نظر قانون دارای قدرت اجرایی نمی‌باشد و کلیه اقدامات ضروری من جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن مناسب برای ازدواج باید به عمل آید...».

بنابراین، مجمع تشخیص مصلحت نظام علاوه بر در نظر گرفتن مصلحت افراد جامعه (زنان، کودکان و...) و مصالح کشور، انتقادات و فشارهای بین‌المللی را نیز در وضع و تصویب قوانین لحاظ می‌کند. این نهاد قانونی با پیامدهای مثبت، یکی از راه‌های تحول حقوق خانواده در پرتو اندیشه‌های امام خمینی است که می‌تواند هم‌گرایی منطقه‌ای و واکنش‌های مثبت جهانی را به دنبال داشته باشد.

صدور سند بین‌المللی منطقه‌ای از سوی کشورهای اسلامی

امام خمینی همواره به اتحاد مسلمانان جهان و هم‌صدا شدن کشورهای اسلامی توصیه می‌کردند و تفرقه مسلمانان را خواسته دشمنان می‌دانستند: «من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام که به واسطه تبلیغات و فعالیت‌هایی که از اجانب شد و این‌ها را متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند، بیدار شوند و همه باهم بشوند یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیر پرچم لاله‌الله تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه بکند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۲۳۴). ایشان لازمه موفقیت را در رهایی از خودباختگی و در گرو همبستگی می‌دانند (همان، ج ۲۱، ص ۹۱).

با توجه به این‌که صدور اعلامیه و اسناد بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی از ابزارهای اثرگذار حقوق بین‌الملل می‌باشد؛ به نظر می‌رسد تدوین منشور حقوق خانواده و صدور یک سند منطقه‌ای در زمینه حقوق خانواده از سوی کشورهای اسلامی ضروری است. سندی که در آن به نهادهای بی‌بدیل حقوق خانواده اسلامی همچون مهریه، نفقه و... پرداخته شود. همچنین نظام‌مند بودن حقوق خانواده اسلامی در این سند مشترک به

تصویر کشیده شود تا تئوری تفاوت حقوق زن و مرد در عین تساوی به عنوان نکته برجسته و امتیاز حقوق خانواده اسلامی در برابر امواج فمینیستی داعیه‌دار تساوی و تشابه حقوق زن و مرد که در واقع سست‌کننده بنیان خانواده است، در عرصه جهانی مطرح گردد. از این طریق می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی، به هم‌گرایی کشورهای اسلامی در زمینه پذیرش یک سند در زمینه حقوق خانواده اسلامی به منظور منطقه‌ای سازی حقوق خانواده اسلامی دست یافت. و موجبات ارائه بین‌المللی حقوق خانواده اسلامی را فراهم نمود.

یافته‌های پژوهش

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت:

- ۱- تئوری صدور انقلاب اسلامی را که امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح کرد، می‌توان با نظریات جدید جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی مرتبط دانست.
- ۲- سازوکارهای لازم برای حضور در عرصه حقوق بین‌الملل، تدوین منشور حقوق خانواده در پرتو اندیشه‌های امام خمینی و سپس حرکت به سوی تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای حقوق خانواده اسلامی با شرکت کشورهای اسلامی است.
- ۳- امام خمینی با شناسایی ظرفیت‌های اسلام عملی، قدرت جهت‌دهی به تحولات جهانی و استفاده از فرصت‌های ناشی از تحولات جهانی، همچون گسترش ارتباطات و استفاده صحیح از تبلیغات را مورد توجه داشت.
- ۴- به منظور منطقه‌ای سازی و ارائه بین‌المللی حقوق خانواده اسلامی، ابتدا باید ظرفیت‌های غنی منابع خود را بشناسیم، اشکالات و نواقص داخلی را مرتفع سازیم و سپس به ارائه آن به صورت منطقه‌ای بپردازیم.
- ۵- منبع عمیق حقوق به طور عام، و حقوق خانواده به طور خاص، در کشور ما فقه اسلامی است؛ فقه پویای شیعه قابلیت انطباق با تحولات جهانی و پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور را دارد.
- ۶- توجه به مقتضیات زمان و مکان از دیدگاه امام خمینی، یکی از راه‌های تحول قوانین

مربوط به خانواده است که بر اساس آن می توان با تحول موضوعات حکم، احکام جدید فقهی صادر کرد. صدور احکام حکومتی بر مبنای مصلحت و نیز مصوبات اصلاحی مجمع تشخیص مصلحت نظام، که خود با حکم حکومتی امام خمینی تأسیس شده است، از دیگر راه‌های تحول اصلاح‌گرایانه قوانین در عرصه حقوق خانواده است.

۷- اسلام عملی که امام خمینی آن را معرفی کرد، در زمینه حقوق و حقوق خانواده منبعی ژرف است که فقه جواهری با ابزار اجتهاد می‌تواند به آن قدرت پاسخ‌گویی روزآمد به پدیده‌های نوآمد را بدهد. چنین حقوق خانواده اسلامی قابل ارائه یا صدور به جهانیان خواهد بود.

منابع و مآخذ

- ❖ امامی، اسدالله و صفایی، حسین، *حقوق خانواده*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
- ❖ ایرانزاده، سلیمان، *جهانی‌شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان*، تهران، مرکز آموزش دولتی، ۱۳۸۰
- ❖ بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، «*بینش فقهی امام در برخورد با رویدادهای نوین جهان*»، کیهان اندیشه، شماره ۲۹، ۱۳۶۹
- ❖ تسخیری، محمد علی، *حول الدستور الاسلامی فی مواد العامه*، تهران، رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ
- ❖ جعفری، علی اکبر و ذولفقاری وحید، «*اندیشه‌ها و راهبردهای اعمالی امام خمینی (ره) در نظام بین‌الملل*»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۲، ۱۳۹۲
- ❖ داوودی، هما، «*ارتباط قوانین خانواده و رویه قضایی با آسیب‌های خانوادگی*»، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ۱۳۸۶
- ❖ درخشانی، علی اکبر، «*نهادهای حقوقی را با یکدیگر و با مقتضیات زمان هم‌آهنگ کنیم*»، نشریه حقوق، شماره ۱۴۱، ۱۳۵۶
- ❖ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۹، چاپ سوم
- ❖ سوئیزی، پل و دیگران، *جهانی‌شدن با کدام هدف؟*، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، آگاه، ۱۳۸۱
- ❖ طباطبائی حکیم، سیدمحسن، *مستمسک العروة الوثقی*، جلد ۱۴، قم، بی‌نا، ۱۴۰۴ هـ
- ❖ طباطبائی، سید محمد حسین، *بررسی‌های اسلامی*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶

- ❖ عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، تهران، نشر خرسندی، ۱۳۸۹
- ❖ عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، *القواعد و الفوائد*، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ، چاپ دوم
- ❖ کاتوزیان، ناصر، *دوره حقوق مدنی خانواده*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸، چاپ اول
- ❖ کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران، تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۶۸
- ❖ کاستلن، مانوئل، *عصر اطلاعات*، ترجمه علی‌قلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح‌نو، ۱۳۸۰
- ❖ گیدنز، آنتونی، *جهان ره‌اشده*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، نشر علم و ادب، ۱۳۷۹
- ❖ لاتوش، سرژ، *غربی‌سازی جهان*، ترجمه امیر رضایی، تهران، قصیده، ۱۳۷۹
- ❖ مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، *صدر انقلاب از منظر امام خمینی*، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۸
- ❖ مرکز تحقیقات شورای نگهبان، *مجموعه نظرات شورای نگهبان درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی*، دوره ششم، سال اول
- ❖ مطهری، مرتضی، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا، ۱۳۶۲، چاپ پنجم
- ❖ موسوی خمینی، روح الله، *استفتائات*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ هـ
- ❖ ——— *تحریر الوسیله*، جلد دوم، نجف، نشر دارالمکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ
- ❖ ——— *صحیفه نور*، جلد ۵-۱۷، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، چاپ سوم
- ❖ ——— *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ هـ
- ❖ ——— *کشف الاسرار*، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۲۷، چاپ سوم
- ❖ ——— *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳

- ❖ مهرپور، حسین، «*طلاق قضایی و طبیعت حقوقی آن*»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱
- ❖ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، مؤسسه المرتضی العالمیه، ۱۴۱۲هـ.
- ❖ هدایت‌نیا گنجی، فرج الله، «*ارزیابی قوانین خانواده*»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، شماره ۲۵، ۱۳۸۳

- ❖ Amin, S., "*Regionalization in Response to polarizing Globalization*", Hettne and Inotia (eds), 1995
- ❖ Bhagwati, J., "*Regionalism versus Multilateralism*", world Economy, 15, 1992
- ❖ Hettne, B., *The New Regionalism: Implications for development and peace*, Helsinki: UNU/WIDER, 1994
- ❖ Kaplinsky, R., "*The World Industrialization in The open Economies in a Closing World*", London: Frank Cass, 1980
- ❖ Sabin, John, *Social Psychology*, Centro di studi e ricerche di diritto comparato e straniero, 1997
- ❖ www.halalworld.org

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.